



قسمت هفدهم

### مبانی رهبری در اسلام

# تحریف امامت

حجة الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری

در مقالات گذشته معلوم شد که امامت و رهبری اصلی ترین مسأله ای است که اسلام برای تحقق عینی خود در جامعه بر آن تکیه نموده است و بزرگترین فاجعه ای که در تاریخ اسلام اتفاق افتاد این بود که این اصل اصلی از اسلام جدا شد و با تفکیک امامت، اسلام در جامعه هرگز عینیت نیافت.

این مقال درباره تحریف امامت است، خطر تحریف امامت برای تشکیل حکومت اسلامی کمتر از تفکیک امامت نیست و این خطری است که جامعه تشیع را تهدید می کند.

در جامعه تشیع، امامت از اسلام جدا نشد، ولی از تحریف هم مصون نماند و همین امر، مانعی بود جدی در راه تحقق حکومت اسلامی.

چگونه می توان عقیده به امامت را تحریف کرد و از خاصیت انداخت؟

این عقیده از دو طریق قابل تحریف است، یکی تحریف مستقیم و دیگری تحریف غیرمستقیم:

### تحریف مستقیم

تحریف مستقیم عقیده به امامت این است که این عقیده بر خلاف مفهوم و محتوای واقعی آن به گونه ای تفسیر گردد که نتواند فلسفه خود را تأمین نماید.

توضیح دادیم که اصلی ترین و روشن ترین فلسفه های عقیده به امامت، تشکیل حکومت الهی و کنار هم قرار گرفتن رهبری سیاسی و رهبری دینی است، حال اگر این عقیده به گونه ای تفسیر گردد که به این فلسفه منتهی نگردد، قطعاً تحریف شده است.

مثلاً اگر در تفسیر اعتقاد به امامت پیروی از امامت مورد عنایت نباشد و این عقیده به شناخت امام و یا اظهار ارادت به او تفسیر شود، عقیده به امامت قطعاً تحریف شده است.

زیرا تردیدی نیست معرفت و ارادت به امام، مقدمه متابعت و پیروی از او و در نهایت تشکیل حکومت اسلامی به رهبری اوست و با حذف ذی المقدمه توقف در مقدمه عقیده به امامت مستقیماً مورد تحریف قرار گرفته است.

بررسی تاریخ زندگی امامان شیعه صلوات الله علیهم نشان می دهد که این تحریف در میان مدعیان تشیع رایج بوده و آنان خود با این تحریف سخت مبارزه می نموده اند. روایاتی که در تبیین ویژگیهای شیعه و غیره، نفسی شیعه بودن، از مدعیان دروغین تشیع، وارد شده است به روشنی دلالت بر این مدعا دارند، و در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

۱- امام صادق از پدرش امام باقر سلام الله علیهما روایت فرموده که خطاب به جمعی از اصحاب خود ضمن اظهار محبت به آنها تأکید می فرماید که پیروی عملی از امام شرط ولایت است و مدعیان عقیده به امامت در صورتی در این ادعا صادق هستند که واجد این شرط باشند، متن گفتار امام این است:

«اعلموا أنّ ولایتنا لا تنال إلا بالورع والاجتهاد، من ائتم منکم بقوم فلیعمل بعملهم.»<sup>۱</sup>

بدانید که ولایت ما جز با پرهیزکاری و تلاش برای تحقق ارزشهای دینی به دست نمی آید، هر کس امامت و رهبری پیشوایی را می پذیرد باید مانند او عمل کند.



۲ - امام صادق علیه السلام در باره مدعیان دروغین عقیده به اصل امامت و مشخصات پیروان راستین خود چنین می فرماید:

«لیس من شیعتنا من قال بلسانه وخالقنا فی اعمالنا و آثارنا و لکن شیعتنا من وافقنا بلسانه وقلبه واتبع آثارنا و عمل بأعمالنا، اولئک شیعتنا.»<sup>۲</sup>

کسی که با زبان مدعی پیروی از ما است و در عمل و نحوه زندگی با ما مخالفت می کند، شیعه ما نیست. شیعه ما کسی است که با زبان و دل با ما همراه است و دنبال ما حرکت می کند و در عمل از ما پیروی می نماید. آنان پیروان راستین ما هستند.

۳ - امام زین العابدین علیه السلام کسانی را که به دروغ مدعی عقیده به امامت هستند را متفوترترین انسانها نزد خداوند متعال می داند، متن سخن امام این است:

«إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنْ يَفْتَدِي بَسْمَةَ إِمَامٍ وَلَا يَفْتَدِي بِأَعْمَالِهِ.»<sup>۳</sup>

میغض ترین مردم نزد خداوند عزوجل کسی است که ادعای پیروی از امامی را دارد ولی در عمل به او اقتداء نمی کند.

۴ - امام صادق علیه السلام در باره جمعی از تحریف کنندگان عقیده به امامت که معاصر با آن حضرت بودند و ادعا داشتند امام صادق علیه السلام امام و رهبر آنها است چنین می فرماید:

«قوم یزعمون آتی امامهم والله ما أنالهم بإمام لعنهم الله کفما سترت سراً هنکوه، أقول: کذا وکذا فبقولون: إنما یعنی کذا وکذا إنما انا امام من أطاعنی.»<sup>۴</sup>

عده ای می پندارند من امام آنها هستم، به خدا سوگند من امام آنها نیستم! خدا آنها را لعنت کند! برده بر هر رازی افکنم آن را دریدند، میگویم: چنین و چنان (باید کرده) آنها سخنانم را تحریف می کنند) و می گویند مقصودش این است که ما می گوئیم، همانا من امام کسی هستم که از من اطاعت کند!

۵ - پس از این که امام رضا علیه السلام به حکم اضطرار ولایتعهدی مأمون را پذیرفت روزی مسئول ملاقاتهای امام، خدمتش رسید و عرض کرد: عده ای آمده اند پشت درب منزل و تقاضای ملاقات دارند و می گویند: ما شیعه علی علیه السلام هستیم؟ امام فرمود: «کار دارم آنها را باز گردان!»

روز دوم و سوم نیز این ماجرا تکرار شد و تا دو ماه امام به آنها اجازه ملاقات نداد! وقتی آنها از دریافت اجازه برای ملاقات مأیوس شدند به امام پیغام دادند که این برخورد شما موجب شده که دشمنان ما

را سرزنش کنند، ما مجبوریم از شرم و ننگ از شهر خود فرار کنیم. این پیغام که به امام رسید به آنها اجازه دادند وارد منزل شوند، وقتی چشمشان به امام افتاد، سلام کردند ولی با کمال تعجب دیدند امام پاسخ سلام آنها را نداد و اجازه نشستن نفرمود!

پس از مدتی سر پا ایستادن گفتند: یابن رسول الله علت این جفای بزرگ و استخفاف و اهانت به ما پس از آنهمه معطلی چیست؟ چه آبرونی پس از این برای ما باقی می ماند؟!

امام فرمود: این آیه را قرائت کنید «آنچه مصیبت به شما می رسد نتیجه کارهای خود شما است و خداوند بسیاری از کارهای ناپسند را مورد عفو قرار می دهد»... چون شما ادعا می کنید شیعه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هستید!

«و یحکم إنما شیعتنا الحسن والحسین وأبوذر وسلمان والمقداد وعقار ومحمد بن ابی بکر الذین لم یخالقوا شیئاً من أواخره، ولم یرکیوا شیئاً من فنون زواجره.»

وای بر شما: همانا شیعه او حسن و حسین و ابوذر و سلمان و مقداد و عقار و محمد بن ابی بکر هستند، آنها که با هیچ یک از اواخر او مخالفت نکردند و مرتکب هیچ یک از نواهی او نگشتند.

و اما شما که مدعی شیعه علی بودن هستید، در بیشتر کارها با او مخالفت می کنید، در انجام بسیاری از واجبات کوتاهی می نمائید، نسبت به اداء حقوق سنگینی که برادران دینی بر شما دارند سستی می ورزید، در جایی که نباید تقیه کنید تقیه می کنید، در جایی که باید تقیه کنید تقیه نمی کنید!

آری اگر بگوئید ما علاقمند به علی علیه السلام هستیم، با دوستان او دوست و با دشمنانش دشمن هستیم، من گفته شما را انکار نمی کنم!

بالاخره پس از توبه و استغفار از ادعای نادرست خود مورد مهر و عنایت امام قرار گرفتند.<sup>۵</sup>

۶ - امام باقر علیه السلام مدعیان عقیده به امامت را به سه دسته تقسیم می فرماید:

«الشیعة ثلاثة اصناف: صنف یترنون بنا، و صنف یستاکلون بنا، و صنف ما ولبنا یأمنون بأمننا و یخافون بخوفنا...»<sup>۶</sup>

شیعه بر سه قسم است: قسم اول کسانی که برای کسب آبرو خود را به ما منتسب می نمایند، قسم دوم کسانی که با نام ما نان می خورند، و قسم سوم آنها که از ما هستند و جهت گیری آنها به سوی اهداف ما و آنها در آرامش و خطر با ما همراهند.



تأمل در این احادیث و امثال آن چند نکته بسیار مهم عقیدتی و تاریخی را روشن می‌سازد، این نکات عبارت‌اند از:

۱- عقیده به ولایت و امامت، تنها شناخت ذهنی امام و یا ارادت قلبی نسبت به او نیست تا هر کس بیشتر و بهتر درباره امامت و ولایت گفت، یا نوشت و یا هر کس بیشتر به امام اظهار محبت کرد و به طرفداری از ولایت شعار داد، ولایتش بیشتر و عقیده‌اش به امامت مستحکمتر باشد.

بلکه این عقیده مسئولیتی است بس بزرگ و سنگین که همه مسئولیتهای اسلامی و انسانی در آن خلاصه می‌شود! و آن عبارت است از:

در کادر رهبری عینی امام بودن و رعایت تقوا در زندگی و تلاش در جهت تحقق ارزشهای الهی در جامعه.

۲- عقیده به امامت حتی در عصر امامان معصوم علیهم السلام دچار تحریف بود، به گونه‌ای که آنها از این فاجعه، سخت احساس خطر می‌کردند.

۳- امامان معصوم با تبیین دقیق ویژگیهای مدعیان راستین عقیده به اصل امامت و محکوم کردن و طرد مدعیان دروغین تشیع، نهایت تلاش خود را برای مبارزه با تحریف این عقیده به کار گرفته‌اند.

**تحریف غیرمستقیم**  
نوع دوم تحریف امامت این است که این عقیده غیرمستقیم مورد تعرض واقع شود، به ظاهر، آن گونه تفسیر گردد که معنای واقعی آن است، ولی عقاید تحریف شده دیگری ضمیمه آن شود که در عمل کاربردی نداشته باشد.

چنین تحریف‌گری می‌گوید: عقیده به امامت تنها شناخت امام و یا اظهار ارادت به او نیست بلکه معرفت و ارادت، مقدمه متابعت و پیروی و تشکیل حکومت الهی به رهبری امام عادل است ولی آن امام فعلاً غائب است، هر وقت ظاهر شد به رهبری او حکومت الهی را تشکیل خواهیم داد!

از او می‌پرسی: در شرایط کنونی چه باید کرد؟ آیا مسلمین جهان وظیفه‌ای برای تشکیل حکومت اسلام و پیاده کردن قوانین قرآن ندارند؟ و آیا جوامع اسلامی باید تحت زعامت و امامت امامان جائز باشند؟!!

می‌گوید: کاری از ما ساخته نیست، ما در عصر غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و وظیفه‌ای جز تقیه، انتظار و دعا نداریم. تقیه مبارزه را تا ظهور امام ممنوع کرده، باید دعا کنیم او ظهور کند و برای

هر اقدام باید منتظر آمدن امام زمان صلوات الله علیه باشیم! این نوع از تحریف به دلیل این که غیرمستقیم اعتقاد به امامت را بی اثر می‌سازد پیچیده‌تر و خطرناکتر از نوع اول تحریف است و در عصر غیبت امام معصوم، کاربُرد بیشتری دارد.

خلاصه کلام در باب تفکیک امامت از اسلام و تحریف آن، این که: مستکبرانی که بازور و تزویر می‌خواهند بر امت اسلام حکومت کنند. برای توجیه مشروعیت خود و جداسازی دین از سیاست، یا باید منکر اصل امامت شوند، یا باید مفهوم امامت را تحریف کنند و یا باید از ابزار تحریف غیرمستقیم استفاده نمایند.

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که سلاطین جور به تناسب، از هر سه طریق برای توجیه مردم و پیشگیری از تحقق حکومت اسلامی استفاده کرده‌اند. در جوامعی که مسلمین پیرو مکتب اهل سنت بودند از راه اول و در جوامعی که مسلمین پیرو مکتب تشیع بودند از راه دوم و یا سوم در جهت اهداف سیاسی خود بهره‌برداری نموده‌اند.

نکته قابل توجه این که، تحریف غیرمستقیم امامت، به دلیل پیچیدگی و کارآیی بالا و مضاعف آن، در قرن معاصر فوق العاده مورد توجه سیاست‌بازان حاکم بزمیهن اسلامی ما بوده و روحانی نمایان ناآگاه و یا وابسته نقش عمده‌ای را در این زمینه ایفا کرده‌اند. بنیانگذار جمهوری اسلامی در این رابطه چنین می‌فرماید:

«استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد. دوره را برای ضربه زدن انتخاب نمود، یکی راه ارباب و زور، دیگری راه خدعه و نفوذ، در قرن معاصر وقتی حریم ارباب و تهلیل چندان کارگر نشد، راه‌های نفوذ نفیوت گردید. اولین و مهمترین حرکت الفای شعار جدایی دین از سیاست است که مناسفانه این حریم در حوزه روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاست، نهمت و ابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد...»

ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته به مراتب کاری‌تر از اغیار بوده و هست.

در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیع است! ترویج تفکر شاه سابه خدا است و یا با گوشت و پوست نمی‌توان در مقابل نوب و ناتک ایستاد و این که ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد و از همه شکننده‌تر، شعار همراه کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان



عليه السلام باطل است و هزاران «ان قلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جانفرسایی بودند که نمی شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلوی آنها را گرفت، تنها راه حل مبارزه و ایثار و خون بود...»

امروز نیز که به برکت انقلاب اسلامی و تلاشها و مجاهدتهای رهبر کبیر آن و ایثار و خون مجاهدین این افکار انحرافی و خطرناک کم رنگ گردیده ولی به کلی ریشه کن نشده است و در قالبهای جدیدی عرضه می شود:

«البته هنوز حوزه ها به هر دو تفکر آمیخته اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند...»

دیروز مقدس نماهای بی شعور می گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می گویند مسئولین نظام کمونیست شده اند، تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشاء و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه را مفید و راهگشا می دانستند، امروز از این که در گوشه ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ می دهد، فریاد و اسلاما سر می دهند، دیروز حجتیه ای ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی لیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی تر از انقلابیون شده اند.

ولایتی های دیروز که در سکوت و تحقیر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته اند، در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته اند و عنوان ولایت بر ایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانس و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند.<sup>۸</sup>

اکنون باید دید ریشه فرهنگی این افکار انحرافی که موجب تحریف اساسی ترین اصول اجتماعی اسلام گردید و حکومت پادشاهان جبار را بر مردم مسلمان تحکیم و تداوم بخشید، چیست؟

### ریشه های تحریف

شگفت این است که در ریشه یابی فرهنگی تحریف امامت نیز دقیقاً به همانجا می رسیم که در ریشه یابی تفکیک امامت رسیدیم! ریشه تفکیک، به حدیث رسید ریشه تحریف نیز به حدیث می رسد! احادیثی که برای تحریف امامت مورد بهره برداری قرار گرفته و یا قابل بهره برداری است را به چهار دسته می توان تقسیم کرد.

۱- احادیثی که به ظاهر دلالت دارند بر این که قیام قبل از قیام جهانی حضرت مهدی صلوات الله علیه باطل است مانند حدیث ذیل:

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:  
«کل رابۀ ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت بعد من دون الله عزوجل»<sup>۹</sup>.

هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود، پرچمدارش طاغوتی است که بجز خدا مورد پرستش واقع شده.

۲- احادیثی که در آن نشانه یا نشانه هایی برای ظهور حضرت قائم عجل الله فرجه ذکر گردیده و تاکید شده که پیش از مشاهده این علائم، مسلمین نمی توانند علیه حکومت جباران قیام کنند: سدید از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«الزم بینک وکن حلساً من احلامه، واسکن ماسکن اللیل والنهار، فاذا بلغک ان السفیانی قد خرج فارحل الینا ولوعلی رحلتک»<sup>۱۰</sup>.

ملازم خانه خود باش و پلاسی باش از پلاسهای خانه. و تا شب و روز آرام است، آرامش خود را حفظ کن، تا موقعی که بشنوی سفیانی قیام کرده، آن هنگام به سوی ما کوچ کن هر چند با پای پیاده!

۳- احادیثی که دلالت دارند برای تشکیل حکومت اسلامی قبل از قیام حضرت مهدی به ثمر نمی رسد و قیام کنندگان بدست جباران نابود خواهند شد:

از امام علی بن الحسین علیهما السلام روایت شده که فرمود:  
«والله لا ینخرج واحد من قبل خروج القائم علیه السلام الا کان مثله مثل فرخ طار من وکره قبل ان یتسوی جناحاه فأخذه الصیاب فعبثوا به»<sup>۱۱</sup>.

به خدا سوگند هر یک از ما که پیش از قیام قائم علیه السلام قیام کند همانا مانند جوجه ای است که پیش از کامل شدن بالهای خود پرواز نماید و بچه ها او را بگیرند و با او بازی کنند!

۴- احادیثی که رعایت تقیه را تا هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداه لازم و ضروری می دانند:

حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود:  
«لادین لمن لا ورع له ولا ايمان لمن لا تقیه له وإن اکرهکم عندالله اعلمکم بالتقیة»<sup>۱۲</sup>.

کسی که ورع ندارد دین ندارد، و کسی که اهل تقیه نیست

تقیه در صفحه ۳۵



جامعه‌اند نه اینکه هر مسئولی در هر نهاد اجرائی می‌خواهد چاقوی خود را دسته کند و بدون هماهنگی با نهادهای دیگر و نیازهای ضروری تر حرکتی نمایشی از خود نشان دهد و بدان دلخوش باشد و بیلان کار تنظیم کند...  
بالاخره آقایان با این جشنواره‌ها یا سمینارها چه ارزشی را می‌خواهند احیا کنند و چه معیاری برای آن در نظر گرفته‌اند؟ سازمان یونسکو از دائر کردن مراکز هنری و فرهنگی در اصفهان چه هدفی را که هماهنگ با ارزشهای اسلامی ما باشد، احیا خواهد کرد. رسالت این گونه مؤسسات بین المللی واقعاً در فرهنگ و هنر چیست و هنر و فرهنگی که آنها می‌خواهند کدام است... واقعاً به این مسائل فکر کرده‌اید!

مسئله دیگر اینکه: ارزشهای واقعی و ولای شهر قهرمان پرور اصفهان را نمی‌توان در این کنگره‌ها جستجو کرد، اصفهان یکی از شهرهای اصیل و ریشه دار است که طی قرن‌ها طلایه دار تشیع و ولایت و مهد علم و فقاقت بوده و چهره‌های ارزشمندی به جهان علم و دانش داده است.

مردم آنگاه با ذوق و فداکار و هوشیار این شهر در سالهای قبل و بعد از انقلاب پیشناز حرکت‌های انقلابی بوده‌اند. شهری که شاهد نخستین حکومت نظامی در روزهای انقلاب بود، جوانانش در جبهه‌های جنگ بیشترین حضور را داشتند، در سراسر جبهه‌های جنگ آهنگ شیرین بچه‌های اصفهان ملین انداز بود و روزها بر این شهر گذشت که صدها شهید را بطور دسته جمعی مشایعت کردند و صدها و هزارها جایگزین آنها در جبهه‌ها شدند. به گلزار شهدا بروید، به خانه خانواده‌های شهدا و مفقودین و معلولان سری بزنید تا ایشار و صبر و هنر حماسه آفرینی را ببینید و جلوه‌های هنر را بنگرید و به دیگران بنمایانید. اینها را چگونه و در کدام کنگره بین المللی می‌توان نشان داد و آیا می‌توان از کنسار آن بی تفاوت گذشت؟ از این مفاهیم، یونسکو و امثالش چه می‌فهمند، هنر پروران کلاسیک و موسیقی سرایان از این هنر چه سر رشته ای دارند؟ آیا این کنگره‌ها می‌توانند نمایش دهند؟ چنین هنر متعالی باشد؟ و آیا فکر کرده‌ایم چگونه باید از این مردم تقدیر کنیم؟

امروز هزاران خانواده شهید و هزاران معلول و مجروح جنگی و سربازان حضرت مهدی علیه السلام و یاران امام خمینی قدس سره در گوشه و کنار این شهر و سایر نقاط میهن اسلامی از لوٹ شدن ارزشها و به فراموشی سپرده شدن آرمانهایشان رنج می‌برند، بدحجابی، رشوه و فساد اداری و گرانسی و تجمل گرایی و فیلمهای مبتذل و غناهای خلاف شرع و لجام گسیختگی‌های دیگر را نظاره می‌کنند و می‌گویند چشم بینا و گوش شنوا کجاست؟ اینها را نمی‌توان با موزیک و ارکستر و ساز و نواز راضی و خشنود ساخت. آنچه اینها را راضی می‌کند حمایت از ارزشهای والائسی است که به پای آن عزیزترین فرزندان اسلام فدا شدند تا عدالت و عفت و تقوی و اخلاق و استقلال و آزادی و خط راستین اسلام که در راه امام تبلور یافته باقی بماند. برای حفظ اینها اول چاره‌ای بیاندیشید و ضدارزش‌ها را از محیط برانید بعد اگر مجالی بود به کارهای فرعی و تفتنی بپردازید.

ادامه دارد

### بقیه از تحریف امامت

ایمان ندارد، و گرمی‌ترین شفا نزد خدا کسی است که بیشتر تقیه می‌کند.  
یکی از امام پرسید: ای پسر رسول خدا تا کی باید تقیه کرد؟  
امام فرمود:

«إلى قيام القائم، فمن ترك التقية قبل خروج قائمنا فليس منا»<sup>۱۱</sup>.

تا موقعی که قائم قیام نکند. بنابراین کسی که تقیه را پیش از خروج قائم ما ترک کند از ما نیست.

ادامه دارد

۱- بحار الأنوار، جلد ۶۵ به نقل از کتاب صفات الشیعه.

- ۲- بحار الأنوار، جلد ۶۵ ص ۱۶۴.
- ۳- بحار الأنوار، جلد ۷۱ ص ۱۷۸.
- ۴- بحار ج ۲ ص ۲۷ حدیث ۸.
- ۵- سوره شوری- آیه ۳۰.
- ۶- نگاه کنید به بحار الأنوار، ج ۶۸ ص ۱۵۸.
- ۷- مشکوٰۃ الأنوار صفحه ۶۳.
- ۸- صحیفه نور ج ۲۱ ص ۹۱-۹۳، پیام امام به مراجع اسلام، روحانیون سراسر کشور. ۶۷/۱۲/۳.
- ۹- فروع کافی ج ۸ ص ۲۹۵. نظیر این روایت در کتاب الفقیه نوشته نعمانی ص ۹ حدیث ۹ از امام باقر علیه السلام نقل شده است.
- ۱۰- وسائل الشیعه جلد ۱۱ باب ۱۳ ص ۳۶ حدیث ۳. نگاه کنید به حدیث ۱، ۵، ۷، ۸، ۱۲، ۱۶.
- ۱۱- فروع کافی ج ۸ ص ۲۶۴. مانند این روایت از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است، بحار ج ۵۲ ص ۱۷.
- ۱۲- وسائل الشیعه جلد ۱۳ ص ۴۶۶.